



## فقه؛ ضرورت امر و پیشرفت عدالت محور

محمدحسن علی جان زاده روشن

حال این حالت را چگونه می‌توان از طریق فقه در فرآیند اجتماعی جامعه‌ی اسلامی توسعه داد و به نحوی پیشرفت را بر اساس آن سنجید. آن‌چه که در دهه‌ی منتهی به دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی از آن به نحو عمومی در سطح جامعه انتظار و توقع می‌رود این است که انقلاب اسلامی بعد از گذشت این چهار دهه بتواند جایگاه عدالت اجتماعی را ارتقا داده و تبعیض، فقر و فساد را به حداقل مورد برساند. این توقع و انتظار در سطوح مختلف جامعه با عناوین گوناگون مطرح می‌گردد. روزی جنبش‌های کارگری از وضعیت معیشت، روزی طلب‌کاران موسسات مالی به روند ناعادلانه‌ی ورشکستگی، روزی کشاورزان و مردم مناطق محروم از بی‌آبی و مسائل دیگر، روزی هم از گرانی و عدم‌توازن بازار ارز و خودرو گلاویه و شکایت می‌کنند و جامعه‌ی دینی نیز از طریق جلسات و تریبون نماز جمعه بارها این مشکلات را گوش‌زد می‌کردند؛

عدالت به عنوان رکنی از مباحث اسلامی در ساختار جامعه و رفتارهای انسانی، امری اثرگذار و بدیهی است؛ بنابراین باید با باز تعریف درست از آن با تمسک جستن صحیح از منابع فقهی، در صدد ایجاد پیشرفت همه‌جانبه و صحیح در جامعه بود. در تعریف مفهوم عدالت سه‌گونه تعریف: توازن، تساوی، رعایت استحقاق‌ها و عدم تبعیض‌ها و یا «اعطاء ذی کل حق حقه» را آورده‌اند. آن‌چه که در این تعاریف می‌توان به آن تمسک کرد همان تعریف سوم است؛ یعنی عدالت عبارت است از: دادن استحقاق و حقی که هر انسان موجب خلقت خود بالقوه و به موجب کار و فعالیت خود بالفعل به‌دست آورده است. در نقطه‌ی مقابل آن ظلم است که آن‌چه را که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نیز تبعیض است که در شرایط مساوی موهبتی را به یکی بدهند و از دیگری دریغ بدارند.<sup>۱</sup>

«وَأَذَانًا فَعَلُوا فَاحْشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آيَاتِنَا وَاللَّهُ آمُرُنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَمُرُّ بِالْفَحْشَاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ. ۲»

خداوند به عدالت و قسط امر کرده و هیچ‌گاه به کار قبیح و زشت امر نمی‌کند و این را باید خودتان بفهمید. همین بود که علمای عدلیه گفتند که ادله‌ی شرعیه چهار چیز است: قرآن، سنت، اجماع، عقل؛ اما غیر عدلیه مثل معتزله و اشاعره باب عقلانیت احکام را بستند که همین سبب تناقضات بسیاری در مسائل فقهی ایشان شده است؛ بنابر این در فقه شیعه مسئله‌ی عقل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد که از آن در تشخیص مسائلی مثل حسن عدالت و قبح ظلم به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود. مرحوم شهید مطهری در مورد عدالت در دین می‌فرماید: «اصل عدالت از مقیاس‌های اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می‌شود. عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات. نه این است که آن‌چه دین گفت عدل است بلکه آن‌چه عدل است دین می‌گوید. این معنی مقیاس بودن عدالت است برای دین.»<sup>۳</sup>

آن‌چه در مذهب تشیع بر باب عدالت تاکید می‌شود در تمام اقوال فقها جاری و ساری است. از فتوای به عدالت امام جماعت گرفته تا به رویت هلال بنابر اعتماد به دو فرد عادل، قول دو فرد عادل بر انتخاب مرجع تقلید، شهادت افراد عادل در دادگاه و عدالت قاضی و مباحث مختلف حقوق اسلامی تا بحث‌های مختلف عدالت اقتصادی هم چون مالکیت، حریت و...  
مثلا در مورد انتخاب مرجع تقلید از مقام معظم رهبری (دامت برکاته) سوال شده است که معنی فقیه و مجتهد عادل چیست؟ ایشان در جواب فرمودند: «او عادل هم کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده است که از روی عمد مرتکب گناه نشود.»<sup>۴</sup>

مرحوم آیت‌الله بهجت می‌فرماید: «عدالت که ملکه‌ی ترک گناهان کبیره است، دارای مراتب مختلفی است که هر یک از منصب‌های ذکر شده (امام جماعت، قاضی، مرجع تقلید) متناسب با حساسیت آن منصب نیازمند مرتبه‌ای از مراتب آن ملکه است، هر چند همگی در این که باید جمیع کبائر را - که از جمله‌ی آن‌ها اصرار بر صغائر است - ترک کند، اشتراک دارند.»<sup>۵</sup>

مرحوم امام خمینی علیه السلام در کتاب ولایت فقیه می‌آورند: «عدالت به قولی یک صفت راسخ نفسانی است که شخص را بر ملازمیت تقوا؛ یعنی ترک محرمات و انجام واجبات وادارد. عدالت از شرایط قاضی و مفتی و امام جماعت است و مروت به معنی پیروی از عادات نیکو و دوری از زشتی‌های رفتاری، حتی امور مباحی که در نظر مردم ناپسند است، است. برخی مروت را از شروط تحقق عدالت به شمار آورده‌اند.»<sup>۶</sup>

اما متأسفانه با برخورد‌های دوگانه‌ی مسئولین در مواجهه با متخلفین و سودجویان گاه امیدها را تبدیل به یاس و نومیدی می‌کنند. آن‌چه که امروز از فضای نخبگان دینی و حوزوی و دستگاه فقاقت انتظار می‌رود این است که در این مشکلات که همه و همه تحت عنوان مساله "عدالت‌طلبی و رفع تبعیض" صورت می‌پذیرد در کنار مردم باشند و از مطالبه تئوریک و نظری تا مطالبات میدانی و مسئولانه در صحنه‌ی عمل باشند. استفاده حداکثری از توانمندی اجتهاد و فقاقت در رفع خلاءهای موجود در مساله عدالت و پیشرفت می‌تواند پویایی فقه و فعال بودن آن را به نمایش بگذارد.

سوالاتی که در رابطه با فقه پویا و پیشرفت عدالت‌محور پیش می‌آید این است که:

- ۱- رابطه‌ی فقه و عدالت چگونه است؟
- ۲- آیا عدالت هدف است یا پیشرفت؟
- ۳- نقش عدالت در استنباط احکام چگونه است؟
- ۴- آیا احکام مستحدثه به صورت عادلانه مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

## فقه و عدالت

مسئله عدالت به عنوان آرمان فطری بشر همیشه جایگاه ویژه‌ای در نظر انسان‌ها داشته و با ظهور دین‌های آسمانی این مهم نیز دو چندان شد؛ زیرا ادیان آسمانی نیز هم‌گون و هم‌أوا با فطریات بشر خلق شدند و همین فطری بودن عدالت سبب گرویدن بسیاری از انسان‌های مستضعف به سمت ادیان آسمانی بالاخص اسلام شده است. اصل عدل جزء اصول مذهب شیعه است که بر اساس نظام خلقت، تکوین، نظام تشریح و قوانین اسلامی حول آن سخن بسیاری آورده‌اند. تا جایی که در تاریخ علم کلام «امامیه» معروف به «عدلیه» شده است. در این نگاه که عدلیه طرفدار بحث حسن و قبح ذاتی در اشیا هستند؛ مثلا اگر عقل می‌گوید ظلم قبیح است پس قبیح است و اگر بگوید عدل حسن است پس حسن است و در واقع اسلام دستورات خود را بر اساس ذاتیات اشیا داده است و مطابق با حق و عدالت تنظیم کرده و عدالت یعنی «اعطاء کل ذی حق حقه». در مقابل عده‌ای که به غیر عدلیه (معتزله) شناخته می‌شوند فتوا دادند که حسن و قبح شرعی است؛ یعنی عدل و ظلم حقیقتی ندارد بلکه تابع وضع و قوانین تشریحی اسلام است. اثر این مباحث در بحث دخالت عقل در استنباط احکام وارد می‌شود؛ چرا که بر مبنای عدلیه در بعضی مسائل ناچار از پیروی حکم عقل هستیم؛ اما در مقابل غیر عدلیه نگاه شکلی به دین داشته و همه چیز را بنابر قوانین توجیه می‌کردند و همین باعث می‌شد که یا باب عقل را بسته بدانند و یا آن قدر عقلانی فکر کنند که راه نقل را بسته بدانند. قرآن کریم در این زمینه که سبب انحراف خیلی از این برداشتها می‌شد هشدار داده است:

### مسئله عدالت به عنوان

آرمان فطری بشر همیشه

جایگاه ویژه‌ای در نظر

انسان‌ها داشته و با ظهور

دین‌های آسمانی این

مهم نیز دو چندان شد؛

زیر ادیان آسمانی نیز

هم‌گون و هم‌أوا با

فطریات بشر خلق شدند

و همین فطری بودن

عدالت سبب گرویدن

بسیاری از انسان‌های

مستضعف به سمت ادیان

آسمانی بالاخص اسلام

شده است.

## نقش عدالت در استنباط احکام شرعی

دانش فقه به عنوان دانشی که وظیفه‌ی کشف احکام شریعت را دارد و بنابر روش اجتهاد و با استفاده از ادله و منابع چهارگانه همواره درصدد کشف واقع بوده و در این راه از دانش‌های مختلفی بهره برده است؛ اما آن چه که از یک قاعده‌ی کلی به نام «عدالت» باید بهره ببرد و در فرآیند کشف از واقع آن را لحاظ کند دارای قرائت‌های مختلفی از جانب فقیهان و دانشمندان این علم بوده که به دو نوع از این قرائت‌ها در زمینه‌ی تسری و دخالت عدالت در اجتهاد و استنباط احکام می‌پردازیم. شناخت درست این که احکام تابع مصالح و مفاسد هستند و اهداف و علت‌هایی دارند می‌تواند در فهم بهتر مطلب به ما کمک برساند.

آن چه که فقها از آن به عنوان عدالت بحث می‌نمایند در واقع اشاره به دو نوع عدالت است:

### ۱- عدالت عرفی

فقیهان از منبع مهم و خبیری به نام عرف در مسائل مختلف بهره‌های بسیاری جستجو می‌کنند؛ اما در تعریف عرف آورده‌اند که: «عرف عبارت از عملی است که اکثریت مردم آن را به طور مکرر و ارادی، بدون احساس نفرت و کراهت انجام می‌دهند و گاه در تعبیرات فقها آن را بنای عقلا می‌نامند و گاهی نیز به آن سیره‌ی عملی اطلاق می‌کنند.» در این جا مراد از عرف و عدالت مبتنی بر آن در واقع عدالت مبتنی بر بنیادها و ساختارهای جامعه است که با گذر از نگاه متفاوتی یکی با رویکرد واقع‌گرایی در ساحت حقوق به دنبال برابری و مساوات است. حال این سوال پیش می‌آید که با این نگاه چگونه می‌توان به استنباط احکام شرعی پرداخت؟ اکثر فقها در این مورد می‌فرمایند: که اگر بخواهیم عدالت را به صورت گسترده در استنباط حکم دخالت دهیم عدالت که حیث تعلیلیه برای احکام دارد حال در بحث کشف حکم و رای فلسفه‌ی احکام در واقع باید به دنبال حیث تقییدیه حکم رفت تا قیود مصالح لحاظ شوند و ترتب حکم بار شود بر متعلقش به زبان ساده‌تر عدالت به عنوان ملاک حکم نمی‌تواند قید اجرایی داشته باشد و تشخیص و تطبیقش بر عهده مکلفین گذاشته شود بلکه حیث مقید کردن جنبه‌ی دیگر کشف از حکم است که قانون‌گذار هم جعل حکم می‌کند و هم بر اساس آن، آن را به مرحله اجرا می‌رساند در حالی که این نگاه از عدالت به عنوان نگاه عرفی نمی‌تواند در استنباط احکام مورد استفاده قرار گیرد. عرف به حسن عدل و قبح ظلم شهادت می‌دهد؛ اما در تعیین مصداق و با آن بنابر میل و طبع خود قضاوت می‌کند در حالی که ممکن است خلاف واقع باشد.

### ۲- عدالت فقهی (واقعی)

عدالت واقعی و یا نفس‌الامر همان عدالتی است که در تعریفش گفتیم اعطای حق هر کسی در جای خودش است. این عدالت در فقه تبدیل به قاعده‌ای شده است که حیث تقییدیه هم پیدا کرده است و از آن با عنوان «قاعده‌ی العدل و الانصاف» نام می‌برند و کاربردش نیز در اشتباهات خارجی است؛ یعنی آن جا که اموالی مخلوط شود و تفکیک آن میسر نباشد.<sup>۱</sup> می‌توان گفت عدالت

بنابر این می‌بینیم که بحث عدالت در جاهای مختلف فقه جاری است. حال این رابطه بینایی فقه و عدالت بر چه اساسی است؟ پیشتر گفتیم که بحث عدل هم یک حیث تکوینی دارد و هم یک حیث تشریحی دارد. از منظر فقها بین عقل و شرع هماهنگی برقرار است و تعقل در اجتهاد و فهم احکام مورد استفاده قرار می‌گیرد و لذا عدالت و مصلحت به عنوان «مناطات و ملاکات» احکام و روح قوانین اسلامی مورد استدلال ایشان است؛ یعنی توجه فقها به یک امر تکوینی و تسری آن در امور تشریحی و تقنینی اسلام از پیش‌رو بودن مبانی دین در سده‌های قبل حکایت دارد که آن زمان که عدالت و حقوق در کار نبود، حقوق اسلامی وجود داشته و براساس تکوین و خلقت بحث عدالت که یک امر فطری نیز هست در امور تشریحی توسط شارع لحاظ شده است و به همین جهت اسلام، به عدالت نگاهی رو به جلو داشته است.

## عدالت و پیشرفت

نسخه‌ای که همواره برای بشر در زمینه‌ی عدالت مطرح بوده این است که با وجود عدالت و مساوات و اعطای حق هر کسی در واقع دستیابی به امکانات و منابع به فراخور هر کس در دسترس بوده و هر کسی با توجه به آن چه حشش هست از محیط و امور بهره‌مند می‌شود که این در واقع همان پیشرفت جامعه بشری است. در همین جاست که مساله‌ی عدالت اجتماعی مطرح می‌گردد. اسلام می‌خواهد که جامعه‌ی اسلامی باقی باشد و این بقا بدون عدالت و رعایت حقوق مردم نمی‌شود و در واقع پیشرفتی هم اتفاق نمی‌افتد؛ بنابر این عدالت هم معیار و سنجش پیشرفت جوامع است و هم نتیجه‌ی آن، حال در این جا عدالت به عنوان مقدمه و پیشرفت به عنوان ذی‌المقدمه است. مراد ما از پیشرفت در این جا پیشرفت مادی نیست بلکه اعم از آن، پیشرفت مادی و معنوی بشر است که همان جایگاه خلیفه‌اللهی انسان است که تمام عالم مسخر اوست و این انسان سعادتمند است. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در این باره می‌فرماید: «این دهه به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» نام‌گذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتدالی اخلاقی و معنوی هم هست؛ این‌ها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد.»<sup>۲</sup>

همان‌طور که رهبر انقلاب ترسیم فرمودند برای رسیدن به پیشرفت و عدالت باید پیشرفت علمی نیز داشت که ورود به مسائل نو و تنظیم قواعد علمی و فقهی برای جامعه‌ی بومی کشورمان ضروری است و وظیفه‌ی حوزه در این جا، از اهمیت فراوانی برخوردار است. حال برای رسیدن به این پیشرفت بر محور عدالت و گسترش آن نیازمند ورود دستگاه فقهی اسلام هستیم تا بتواند مشکلات نظری آن را حل و بسط دهد. هم‌چنین هدف از عدالت توأم با پیشرفت را هدف نهایی دین و رسالت انبیا می‌دانند: «این پیشرفت، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. خوب، در قرآن هم شما ملاحظه می‌کنید: همه‌ی ارسال رُسل و انزال کتب و مانند این‌ها «لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند.»<sup>۳</sup>



این رابطه می‌فرماید: «الآن که شما همچو فقهی غنی می‌بینید که فقه شیعه غنی‌ترین فقهی است که در دنیا هست، غنی، قانونی که با زحمات‌های علمای شیعه توضیح و تفریح شده است، غنی‌ترین فقه است. غنی‌ترین قوانین است در دنیا.»<sup>۱۴</sup>

هم‌چنین در مورد بحث زمان و مکان می‌فرماید: «در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرق نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد.»<sup>۱۵</sup> در باب مسأله‌ی عدالت نیز باید با تمسک به این قوانین و یا تاسیس قوانین جدید هم چون قاعده‌ی عدالت و بسط آن در جهت پاسخگویی هرچه بهتر در حوزه‌ی عدالت بالاخص بحث عدالت اجتماعی و شناخت موضوعات به نحو صحیح بود و هرچه سریع‌تر قطار انقلاب اسلامی را در راه پیشرفت و آبادانی و گستراندن عدالت و چشاندن طعم شیرین آن در کام مستضعفین و مستمندان جامعه اسلامی پیش برد. ان شاء الله

#### پی‌نوشت

۱. مرتضی، مطهری، سیری در سیره انتمی اظهار، ص ۲۵۹.
۲. اعراف، ۲۸-۲۹.
۳. یادداشت‌های شهید مطهری، ج ۶ ص ۲۰۳.
۴. اجوبه الاستفتات مقام معظم رهبری، س ۱۳.
۵. استفتات مرحوم آیت الله بهجت، س ۶۴.
۶. خمینی، سیدروح الله موسوی، ولایت فقیه، ص ۱۸.
۷. بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۱/۳/۱۴.
۸. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
۹. زنجانی، عباس علی عمید، فقه سیاسی ج ۲، ص: ۲۱۴.
۱۰. مهریزی، مهدی، عدالت به مثابه قاعده فقهی، فصلنامه نقد و نظر، ش ۱۰.
۱۱. شهبایی، مهدی، جایگاه قانون در تحقق عدالت حقوقی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۳۹، ص ۱۵۱.
۱۲. مطهری، مرتضی، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۲۷.
۱۳. مطهری، مرتضی، ده گفتار ص ۱۲۲.
۱۴. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۳۸.
۱۵. همان، ج ۲۱، ص ۲۹۰.

می‌تواند میزان و معیاری برای فقاقت و استنباط است و تمامی برداشت‌های فقهی و فتاوی باید با آن سنجیده شود. این عدالت که در واقع آن‌چه که در قانون اساسی در مورد نظام حقوقی جمهوری اسلامی بحث می‌شود تحقق "عدل اسلامی" است و در اصل دو قانون اساسی نظام حقوقی را برپایه‌ی "ایمان به عدل خدا در خلقت و تشریح" اعلام می‌کند.<sup>۱۱</sup> یکی از مسائلی که به اعتقاد مرحوم شهید مطهری به عنوان یک قاعده‌ی فقهی از دید فقیهان مغفول مانده و این غفلت را سبب رکود و انحطاط فقه و تفکر اجتماعی فقها می‌داند قاعده‌ی عدالت است.<sup>۱۲</sup> ایشان در این باره می‌گویند: «چگونه ممکن است فقهی از نظامات و جریان طبیعی بی‌خبر باشد و به تکامل و پیشرفت زندگی ایمان نداشته باشد و آن‌گاه بتواند دستوره‌ای عالی و مترقی این دین حنیف را که برای همین نظامات آمده و ضامن هدایت این جریان‌ها و تحولات و پیشرفت‌هاست، کاملاً و به طور صحیح استنباط کند.»<sup>۱۳</sup> بنابر این قاعده‌ی عدالت فقهی در فقه موجود است که باید نسبت به ترفیع و تسری آن در فقه که از دید علمای گذشته ما مغفول مانده کوشید تا از مواهب آن در استنباط احکام شرعی و نظامات گوناگون فقهی بهره‌ی وافی را ببریم.

#### مسائل مستحدثه و عدالت

یکی از مسائلی که امروزه در حوزه‌ی فقه بسیار ضروری و مهم به نظر می‌رسد شناخت مسائل نو و مستحدثه به عنوان یک پدیده‌ی جاری که باید دائماً آن‌ها را رصد کرد و درصدد تبیین و تقنین برای آن‌ها برآمد. داشتن قواعد فقهی کاربردی و تاسیسی از دیگر ضروریاتی است که امروزه در حوزه‌های علمیه تحت عناوین فقه مضاف و فقه مسائل نو مورد بحث و گفتگو و مطمح نظر هست. در مجموعه‌ی نظام قانون‌گذاری اسلام قواعدی وجود دارد که اجرای احکام اسلامی را در شرایط مختلف انعطاف‌پذیر می‌کند. شناخت قاعده‌ی زمان و مکان و بر اساس آن استنباط و اجتهاد کردن میراثی بود که مرحوم امام خمینی ره آن را برای آیندگان به ارمغان گذاشت. فقهی که بیش از نیمی از عمر خودش را در زعامت و مرجعیت حوزه‌های علمیه در سنگین‌ترین دروس فقهی و اصولی و فلسفی گذارند و هم‌زمان رهبری نظامی را که خود پایه‌گذار آن بود بر عهده داشت بر ضرورت این قواعد تأکید داشت و راه برون رفت در مواجهه با دنیای جدید و دائم در پیشرفت را در حل این مسائل نو و مستحدثه از طریق نوآوری در طریق اجتهاد با تکیه بر میراث سلف می‌دانست. ایشان در

#### شناخت قاعده‌ی زمان و مکان

#### و بر اساس آن استنباط و اجتهاد

#### کردن میراثی بود که مرحوم

#### امام خمینی ره آن را برای

#### آیندگان به ارمغان گذاشت.

#### فقهی که بیش از نیمی از

#### عمر خودش را در زعامت و

#### مرجعیت حوزه‌های علمیه

#### در سنگین‌ترین دروس فقهی

#### و اصولی و فلسفی گذارند و

#### هم‌زمان رهبری نظامی را که

#### خود پایه‌گذار آن بود بر عهده

#### داشت بر ضرورت این قواعد

#### تأکید داشت و راه برون رفت

#### در مواجهه با دنیای جدید و

#### دائم در پیشرفت را در حل این

#### مسائل نو و مستحدثه از طریق

#### نوآوری در طریق اجتهاد با

#### تکیه بر میراث سلف می‌دانست.